

## حاشیه ای بر:

### نوشته بررسی مبارزات شاهزاده رضا پهلوی بامشروطه خواهان

#### از آغازتابه امروز

امیر فیض- حقوقدان

اخیرا تحریری به قلم آقای امیر ابراهیمی در تاریخ ۲۱ آوریل سال جاری منتشر شده که حاوی نگاهی بسیار فشرده به رویکرد موقعیت اعلیحضرت در مبارزه است.

در تحریر مذکور اشاره ای وجود دارد که تصور میکنم به آثار طرح آن توجه نشده است.

اشاره مزبور چنین است:

«ایشان، مقصود اعلیحضرت است، حتی یکباردر طی این ۳۲ سال مستقیم وشفاف دلایل عدول از وظایف تاریخی خود را بامردم در میان نگذاشته و صرفا باچرخشی ۱۸۰ درجه تبدیل به یک شهروند بی اثر در عرصه مبارزاتی گردیده اند، آیا این مردم حق ندارند از سوی ایشان یکبار برای همیشه بشوند وآگاه گردند که دلیل واقعی و روشن شاهزاده رضا پهلوی از عدول و ظانف محوله وتاریخی خود چیست؟»

#### توضیح:

نخست این توجه بجاست که اعلیحضرت بارها به تغییر موضع خودشان در مصاحبه ها اشاره روشن فرموده اند که اولین بار در مصاحبه آقای احمد احرار بود که بصورت کتابی زیر نام «گذشته وآینده» از طرف کیهان لندن در سال ۲۰۰۰ منتشر شد اما توضیحی که به پرسش بالا تعلق میگیرد این است.

ماهیت پرسش ویا انتظار آقای امیر ابراهیمی دراینکه «علت عدول رضا پهلوی از وظانف محوله چیست» واجد این مفهوم واثراست که بیان علت میتواند توجیه کننده عدول باشد در صورتی که رابطه علت و شرط، در انجام تعهد و تکلیف مربوط به حقوق خصوصی و قرارداد هاست، و تشخیص اساسی بودن علت هم با دادگاه است، نه با طرفین قرارداد، اگر قرار باشد که هرکس با ذکر علتی خود را از تعهدات و تکالیفی که دارد مبرا سازد، نظام حقوقی جوامع متلاشی میگردد.

### تعهدات اعلیحضرت که عنوان رسالت دارد ناشی از قرارداد بین ایشان و گروهی ویا

### نسلی از مردم نیست که مشمول شرائط وامکانات عدول و سرپیچی از قرارداد هاباشد

### رسالت سلطنت و پادشاهی را ما ایرانیان خارج از کشور ویا داخل کشور مقرر نکرده ایم ما

ایرانیان وهمچنین ایران، جزئی از پادشاهی و سلطنت هستیم (فرهنگ ایرانی) نمیتوان بین ایران وملت ایران و پادشاه قائل به جدائی شد تا جایی که پادشاه علت عدول از رسالت الهی وتاریخی خودرابه ملت بیان کند.

این چنین درخواستی که اعلیحضرت هم علاقمند به مطرح شدن آن بوده اند تا پاسخی داده باشند، نه سواش قانونی و بحق است و نه پاسخ آن، اعتناء بردار است، **زیرا رسالتی که با سابقه ۲۵۰۰ ساله در قانون اساسی مشروطیت پیاده شده است چیزی نیست که عدول بردار باشد.**

باید فرق گذاشت بین موردی که عدول تلقی میشود باموردی که شخص خود را قادر به انجام تعهد بطور کامل نمیداند. دومی ذکرموانع است برای انجام تکالیف کامل، که در مورد اعلیحضرت مصداق ندارد، چرا که البته امکان انجام تمامی تکالیف مقرر در قانون اساسی و متمم آن برای اعلیحضرت بمناسبت موقعیت خاص سلطنت و ایران فراهم نبوده، ولی مهم این است که امکانات و موجباتی که وجود داشته است در راه عدول ایشان پابرجا نماند.

از باب نمونه **حق پادشاه در انتخاب دولت در دوران فطرت مشروطیت و مجلس از حقوق ممتازه ای است که سابقه اجرائی هم در مشروطیت ایران دارد و عدول اعلیحضرت ساقط این حق میگردد، و بجای تشکیل دولت که آشنای مردم ایران است به شورا متوسل میشوند که مردم ایران نه با این نام آشنا هستند و نه به تصمیمات آن احترام میگذارند و نه از وظائف تبعی دولت است نه از تکالیف شاه.**

امکان دیگر، استفاده از قدرت معنویت سلطنت است که مردم ایران با آن آشنا و بفرمان های آن عادت دیرینه دارند و عدول از سلطنت طرد این قدرت تاریخی و ریشه دار هم هست.

تصمیم اعلیحضرت بر اساس آنچه که فرموده اند حتی عدول از سوگند هم تلقی نمیشود بلکه عدول از آنچه که قانون اساسی مشروطیت ایران مقرر کرده و ایشان به آن تقریر و حکم قانون اساسی التفات تمکینی خود را با پشتوانه سوگند اعلام فرموده اند میباشد، بنابراین همانطور که عدول از قانون اساسی و متمم مبنای حقوقی ندارد عدول ایشان هم یک اقدام شخصی است که بیشتر حالت تمرد نسبت به قانون را دارد و ایرانیان نمیتوانند با اصغای علت عدول به تزییع حق تاریخی ایران و ملت ایران رضایت بدهند.<sup>۱</sup>

**فرق بین عدول با تمرد این است که عدول انصراف از نظر راه شخصی است و تمرد ناشی از سرپیچی از قانون است.** سلطنت نظر راه شخصی انتخابی نیست که عدول از آن هم ممکن باشد. عدول از قانون آنهم قانون اساسی مشروطیت تمرد قانونی است، و بهرحال این تمرد در هر حدی که باشد مسقط تکلیف و رسالتی که بر عهده متصدی آن است نمیشود، و قاطع تداوم مشروعیت کهن سلطنت ایران نمیگردد.

<sup>۱</sup> - این پاراگراف بار حقوقی ویژه ای دارد که لازم است خواننده آنرا به دقت درک کند. اگر خواننده آنرا درک حقوقی نمی کند می تواند مورد پرسش قرار دهد تا توضیح لازم از استاد امیر فیض دریافت و به آگاهی همگان برسد. ح-ک